

بهائیت و هزاره‌انگاری ادیان

فرخنده حبیبی دوست^۱

محمد پارچه باف دولتی^۲

چکیده

گروهی معتقدند که هر دینی، حداکثر می‌تواند هزار سال عمر کند و پس از آن، دین جدیدی می‌آید و آن را نسخ می‌کند. بهائیان از مهم‌ترین قائلان این نظریه‌اند. آنان برای اثبات مدعای خود، با برداشتی خاص به بعضی از آیات قرآن کریم (مانند آیه ۵ سوره سجده) استناد می‌کنند. یکی از این استنادات، مربوط به ادعای ظهور علی محمد شیرازی، ملقب به سید باب در سال ۱۲۶۰ق، است. طبق ادعای آنان در این سال، هزار سال عمر دین اسلام به پایان رسیده و با ظهور آیین بابیت، اسلام، نسخ شده است و باب نیز ظهور میرزا حسین علی نوری، ملقب به بهاءالله را بشارت داده است. در این مقاله پس از طرح شبهه، پاسخ‌های نقضی به آن، بیان شده و سپس ادله نقلی مورد مذاقه قرار گرفته است. با کمک تفاسیر در ذیل آیات گفته شده در شبهه، نشان داده شده است که این آیات مورد تأویل نایجا قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: هزاره‌انگاری ادیان، قیامت، خاتمیت

۱. دانشگاه قرآن و حدیث، رشته علوم حدیث، گرایش تفسیر اثری.

۲. دانشگاه قرآن و حدیث، رشته قرآن و حدیث، استادیار.

مقدمه

هدف از نگارش این مقاله، بررسی نظریه هزاره‌انگاری ادیان به خصوص دین مبین اسلام بر اساس آیات شریفه قرآن است. یکی از آیات مورد استناد، آیه پنجم سوره سجده است که می‌فرماید: ﴿يَذَّبُرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾^۱

گروهی با استناد به این آیه ادعا می‌کنند که هر دینی حداکثر هزار سال می‌تواند عمر کند و پس از آن نسخ می‌شود و دین جدیدی جایگزین آن می‌شود. دین اسلام هم از این امر مستثنی نیست و پس از شهادت حضرت امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۶۰ ق و آغاز غیبت، هزار سال آن شروع شد و در سال ۱۲۶۰ ق باب ظهور کرد و دین جدید آغاز شد. این نظریه را بهائیان مطرح کرده‌اند و ظهور باب را پایان بخش دین اسلام و قائم این دین می‌دانند و ظهور میرزا حسین علی نوری (بهاءالله) را آغاز دین جدید می‌انگارند.

در این تحقیق، پس از بررسی اعتبار دلایل قرآنی و روایی مدافعان این نظریه، تفسیر واقعی این آیات و نسبت آن با عمر ادیان ذکر می‌شود. همچنین بحث قیامت به عنوان موضوعی که اکثر مفسران، این آیه را به آن مربوط دانسته‌اند، و بحث خاتمیت به عنوان یکی دیگر از موضوعاتی که با این ایده در تعارض است، بررسی خواهد شد.

مسأله‌ی هزاره‌گرایی

اگر مفهوم هزاره‌گرایی را در آیین‌های مختلف مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم که پیروان ادیان مختلف در انتظار یک منجی به سر می‌برند که آینده‌ی دنیا را متحول سازد. پیروان آیین زرتشتی معتقد به ظهور سه منجی از فرزندان زرتشت هستند که هر یک از آن‌ها به ترتیب در سر هزاره‌ای ظهور می‌کنند.^۲

در آیین مسیحیت هم از "دوره‌ی هزار ساله" سخن به میان آمده است. این دوره، هزار سال پیش از آمدن مسیح شروع می‌شود و با آمدن او پایان می‌پذیرد. آنان معتقدند در این هزار سال، دامنه‌ی فساد به شدت کم شده، دست و پای شیطان بسته می‌شود و پس از آن مسیح می‌آید. برخی دیگر

۱. السجده: ۵.

۲. آصف آگاه، سید حسن، «مقاله موعود و آخر الزمان در دین زرتشتی»، مشرق موعود، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶.

معتقدند آن دوره با آمدن مسیح آغاز می‌شود و بازگشت دوباره‌ی او سرآغاز این دوره‌ی آرمانی برای دیانت مسیحی است.^۱ در برخی از مقالات، فرجام‌شناسی و هزاره‌گرایی در یک مفهوم به کار رفته‌اند؛ مانند مقاله‌ی "دکترین مهدویت و چالش‌های هزاره‌گرایی" که پس از مقایسه‌ی کلی فرجام‌شناسی اسلامی با فرجام‌شناسی در یهود و مسیحیت، به تجزیه و تحلیل مهدویت در اسلام می‌پردازد و در قسمت نتیجه‌گیری، دلایل توجه به مهدویت را در جهان بر می‌شمارد.

نویسنده این مقاله تیموتی فرنیش این‌گونه می‌نویسد:

فرجام‌شناسی اسلامی، یا نظام عقیدتی در خصوص حوادثی که به پایان جهان منتهی می‌شود، به عقاید دو آیین یهودیت و مسیحیت شباهت دارد، اما در استفاده از اصطلاحات millennialism،^۲ millenarianism،^۳ یا chiliasm^۴ باید به شرایطی قائل شد. هریک از این اصطلاحات برگرفته از واژه‌های لاتین milleni یا یونانی chilioi به معنی عدد هزار هستند و بر مفهوم به کار رفته در فصل بیستم از کتاب مکاشفه یوحنا قدیس که حکومت هزار ساله‌ی عیسی مسیح بر روی زمین را پیش بینی می‌کند، دلالت دارند.^۵

استناد ادعای هزاره‌نگاری به آیات قرآن

با وجود این که مقالاتی هم‌چون سه مقاله اشاره شده به مسأله هزاره‌گرایی پرداخته‌اند؛ اما تاکنون به این امر از منظر آیات قرآن کریم و روایات پرداخته نشده است؛ از این رو به بررسی موضوع می‌پردازیم.

۱. قاسمی قمی، جواد، «مبانی هزاره‌گرایی در مسیحیت»، پژوهش‌های مهدوی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۰ (ص ۱۶۹ تا ۱۸۷).
۲. هزاره‌گرایی.
۳. اعتقاد به سلطنت هزارساله مسیح.
۴. هزاره‌گرایی.
۵. تیموتی آر. فرنیش؛ مترجم: جندقی، بهروز؛ دکترین مهدویت و چالش‌های هزاره‌گرایی؛ انتظار موعود، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۷ (ص ۲۱۲ تا ۲۲۳).

برخی از صاحبان این عقیده، آیه ﴿يَدَّبَّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾^۱ را چنین معنا می‌کنند:

خداوند امر (دین مبین) را ابتدا از آسمان به زمین نازل خواهد فرمود و پس از اكمال نزول در مدت یک هزار سال انوار دیانت اندک اندک در مدت مزبوره زایل خواهد شد و دوباره دین به آسمان صعود خواهد نمود.^۲

بر اساس این ترجمه و تفسیر می‌گویند: خداوند هر هزار سال، دین جدیدی را برای مردم می‌فرستد؛ زیرا با توجه به آیه فوق و همچنین آیه ﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾^۳ مقدار هر روزی از روزهای خدا، هزار سال است و پس از گذشت این زمان، باید دین جدیدی بیاید. آنان برای اثبات نظریه خود به آیات دیگری نیز استناد می‌کنند؛ مانند:

آیه ﴿قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ﴾^۴ و یا آیه ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾^۵ که به این وعده الهی اشاره شده است.

این تأویل را در کتاب‌های مربوط به بایبان و بهائیان مانند *الفرائد* که مفصل‌ترین و بالاترین کتاب استدلالی و نظری بهائیه است. در این کتاب برخی از آیات قرآن و روایات اسلامی تحریف و تأویل شده، و با توجیهاتی، آن‌ها را با مسلک بهایی تطبیق نموده‌اند.

۱. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم: [همه] امور را [همواره] از آسمان تا زمین تدبیر و تنظیم می‌کند، سپس در روزی که اندازه آن به شمارش شما هزار سال است به سوی او بالا می‌رود. السجده/۵.

۲. گلپایگانی، ابوالفضل، فرائد، ص ۵۴.
۳. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم: و آنان از تو [از روی مسخره و ریشخند] شتاب در عذاب را درخواست می‌کنند، در حالی که خدا هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند؛ و همانا یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمارید [برای او زمان نزدیک، زمان دور، امروز، دیروز، گذشته و آینده مفهومی ندارد؛ بنابراین فاصله زمانی شما با عذاب الهی شما را دچار این پندار نکنند که تهدید به عذاب، تهدیدی طولانی و دروغ است. الحج/۴۷].

۴. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم: بگو: وعده‌گاه شما روزی است که نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنید و نه بر آن پیشی می‌گیرید. سبأ/۳۰.

۵. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم: برای هر امتی زمانی [معین و اجلی محدود] است، هنگامی که اجلشان سرآید، نه ساعتی پس می‌ماند و نه ساعتی پیش می‌افتند. الاعراف/۳۴.

ابوالفضل گلپایگانی یکی از افراد برجسته فرقه‌ی بهایی می‌گوید: علامه مجلسی ذیل آیه ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾^۱ روایتی را آورده است که پیامبر ﷺ درباره تفسیر آیه مذکور فرمودند: "إِنْ صَلَّحْتَ أُمَّتِي فَلَهَا يَوْمٌ وَإِنْ فَسَدَتْ فَلَهَا نِصْفَ يَوْمٍ"^۲ اجل این امت و بقای عزت این دین چنین است که اگر امتم صلاح پیشه کنند هزار سال دوام می‌یابند و اگر راه فساد را پیش گیرند، نصف آن یعنی پانصد سال مهلت دارند. بنابراین حدیث که مبین زمان ظهور است، عمر دین اسلام به پایان رسیده و این دین نسخ گردیده است. او در تبیین نظریه خود می‌گوید:

«انوار دین به صورت وحی بر پیامبر و ائمه در مدت ۲۶۰ سال نازل شده و با وفات امام عسکری، ایام غیبت فرا رسید و امر دیانت به آراء علما محول گشت و اندک اندک اختلاف آراء و تشتت در اقوال ظاهر شد و افق امر الله تاریک تر و مظلم تر گشت تا این که از اسلام چیزی به جز اسم باقی نماند. تا این که پس از انقضای هزار سال تمام در سال ۱۲۶۰ق، حق از فارس ظاهر شد. مطابق آیه ۴۷ حج ﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾ وقت ظهور موعود فرا رسید و وعده الهیه تحقق یافت.»^۳

پاسخ نقضی به این نظریه

پاسخ نقضی را از دو جهت بیان می‌کنیم: اعتراف به خاتمیت اسلام و ادعای عمر طولانی برای آیین بهائیت.

اعتراف به خاتمیت

یکی از مسائلی که بین بهائیان و مسلمانان مورد بحث قرار گرفته، اعتقاد به خاتمیت پیامبر ﷺ است. ایشان اصل خاتمیت پیامبر را نپذیرفته و به پیامبری افراد دیگری پس از پیامبر ﷺ معتقدند. یکی از مدعیان این نظریه بهاءالله است. وی با این عقیده، در حالی از شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی که اولین پایه‌گزاران

۱. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم: برای هر امتی سرآمدی معین و اجلی محدود است، هنگامی که اجلشان سرآید، نه ساعتی پس می‌مانند و نه ساعتی پیش می‌افتند/ ۴۹ بونس.

۲. گلپایگانی، ابوالفضل، فرائد، ص ۵۴.

۳. گلپایگانی، ابوالفضل، فرائد، ص ۵۵.

شیخیه در قرن سیزدهم به شمار می‌آیند، تجلیل می‌کند^۱ که هر دو نفر این افراد طبق نوشته‌هایشان به خاتمیت پیامبر اکرم ﷺ معتقد بودند.^۲

اعتراف به خاتمیت حتی در آثار باب نیز وجود دارد:

«شهادت می‌دهم که حلال او تا روز قیامت حلال است و شریعت او نسخ نمی‌شود و طریقت او تغییر نمی‌یابد و هر آن کس که در شریعت او چیزی کم یا زیاد کند، در همان لحظه از اطاعت او خارج شده است؛ و همانا وحی الهی آن گونه که به او نازل می‌شد، پس از او منقطع گردید.»^۳

بهاءالله هم به این اصل مهم اعتراف نموده است و هر دو مقام رسالت و نبوت را به وجود پیامبر اکرم ﷺ پایان یافته بیان می‌کند:

«الصلوة والسلام علی سید العالم و مرّبی الامم الّذی به انتهت الرّسالة و النبوة و علی آله و اصحابه دائماً ابداً سرمداً»^۴

عمر ادعا شده برای بهائیت

پیشوایان بهائی برای بهائیت، خاتمیت یا طول مدت بی‌اندازه قائل شده‌اند. اکنون به برخی از آن موارد اشاره می‌کنیم:

۱- بهاءالله در کتاب اقدس گفته است:

«من یدعی امراً قبل اتمام الف سنّة کامله انه کذاب مفتّر»^۵

توضیح این جمله در حقیق مختوم چنین است:

اما آیه مبارکه‌ی «من یدعی امراً قبل اتمام الف سنه کامله ...» بدایت

این الف ظهور جمال مبارک است که هر روزش هزار سال است آن کل

۱. نوری، حسین علی (بهاءالله)، ایقان، ص ۴۳.
۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: گروه پژوهش و نگارش سایت بهائی پژوهی، فرجام فرخنده، ج ۱: محمد خاتم پیامبران، انتشارات گوی، تهران، ۱۳۸۹؛ فیض، بشارت موهوم، ص ۱۶.
۳. مازندرانی، اسرار الآثار الخصوصی، ج ۱، ص ۱۸۱؛ وَ أَشْهَدُ أَنْ خَلَّاهُ حَلالٌ إِلَى یَوْمِ الْقِیامَةِ وَ لَمْ یَنْسَخْ شَرِیعَتَهُ وَ لَمْ یَبْدَلْ مِنْها جُهً و مَنْ زَادَ أَوْ نَقَصَ شِیْئاً مِنْ شَرِیعَتِهِ فِیخْرُجُ فِی الْحِینِ مِنْ طاعِیکَ وَ أَنْ الْوَحیَ یَبْئَلُ ما نُزِّلَ عَلَیْهِ قَدْ انْقَطَعَ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ عِنْدِکَ.
۴. نوری، حسین علی (بهاءالله)، ألواح مبارکه حضرت بهاءالله شامل: اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۹۳. سلام و درود بر آقای عالم و مربی امتها، کسی که به او نبوت و رسالت انتها یافته است و نیز بر خاندان و دوستانش سلام و درود دائمی و ابدی و سرمدی باد.
۵. نوری، حسین علی، اقدس، ص ۳۵. ترجمه: کسی که امری را پیش از تمام شدن هزار سال کامل مدعی شود به تحقیق او مفتری دروغ زن می‌باشد.

یوم عند ربك كالف سنه و كل سنه ثلاثمائة و خمسة و ستون الف سنه ... كور جمال مبارك نامتاهی است. بعد از آن كه احقایی بگذرد و به کلی صحف و كتب و آثار و اذكار این اعصار فراموش شود كه از تعالیم جمال مبارك چیزی در دست نماند ظهور جدیدی گردد و الا تا آثار صحف و تعالیم و اذكار و انوار جمال مبارك در عالم مشهود نه بروزی نه صدوری.^۱

۲- عبدالبهاء در مكاتیب می نویسد:

«چه این كور را امتداد عظیم است و این دور را فسحت و وسعت واستمرار سرمدی ابدی»^۲

و نیز در صفحه ۷۶ همین كتاب می گوید:

«لهذا امتدادش بسیار، اقلا پانصد هزار سال»

بنابراین مدارك معلوم می گردد كه بهائیت ۳۶۵،۰۰۰،۰۰۰ سال به درازا خواهد كشید و اگر دقیق تر بگوییم حداقل بشر ۵۰۰،۰۰۰ سال بایستی با بهائیت سروكار داشته باشد. این جاست كه این سوال مطرح می شود: چگونه خاتمیت اسلام را نمی پذیرند و عمر دین اسلام را هزار سال می پندارند؛ ولی آیین بهائیت را ابدی می پندارند؟

یکی از آیات نشانگر خاتمیت و متعارض با این نظریه

یکی از اصول بهره مندی از قرآن کریم، آن است كه به جای استناد به يك آیه از قرآن و استخراج حكم از آن، به تمامی آیات درباره آن موضوع مراجعه کنیم. مسأله خاتمیت در قرآن به صراحت مورد تأکید قرار گرفته و جایی برای هیچ شبهه ای باقی نگذاشته است. حال اگر اثبات کنیم كه داعیان این نظریه، از این آیه برداشت دیگری ندارند و به خاتمیت پیامبر ﷺ معتقدند، دیگر جایی برای پدید آمدن دین جدید پس از اسلام و ظهور باب باقی نمی ماند.

﴿ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴾^۳

۱. رحیق مختوم، جلد ۱، صفحات ۳۲۰ و ۳۲۱.

۲. افندی، عباس (عبدالبهاء)، مكاتیب، جلد ۲، ص ۶۸.

۳. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم: محمد، پدر هیچ يك از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است؛ و خدا به هر چیزی داناست. الاحزاب/ ۴۰.

در این جا نظر پیشوایان و بزرگان بهائی را در مورد این آیه نقل می‌کنیم:
اشراق خاوری می‌نویسد:

«در سوره الاحزاب محمدرسول الله را خاتم النبیین فرموده
جمال مبارک جل جلاله در ضمن جمله مزبوره می‌فرماید که
مقام این ظهور عظیم و موعود کریم از مظاهر سابقه بالاتر است
زیرا نبوت به ظهور محمد رسول الله ختم گردید و این دلیل
است که ظهور موعود عظیم، ظهور الله است و دوره نبوت
منطوی گردید زیرا که رسول الله خاتم النبیین بودند.»^۱

میرزا حسین علی می‌نویسد:

«لأن الله تبارک وتعالی بعد الذی ختم مقام النبوه فی شأن
حبیبه و صفیه و خیرته من خلقه کما نزل فی ملکوت العزه (و
لکنه رسول الله و خاتم النبیین) وعد العباد بلاقائه یوم القیامه
لعظمه ظهور البعد کما ظهر بالحق»^۲

همان گونه که از مدارک فوق به دست می‌آید بزرگان بهائی هم از آیه مذکور
مفهومی جز خاتمیت پیامبر اسلام درک نمی‌کنند.
همان گونه که از مدارک فوق به دست می‌آید بزرگان بهائی هم از آیه مذکور
مفهومی جز خاتمیت پیامبر اسلام درک نمی‌کنند.

تفسیر آیات مذکور (دلیل حلی)

اکنون تفسیر آیات مذکور را به ترتیب بیان می‌کنیم:

تفسیر آیه ۵ سوره سجده

﴿يَذَّبُرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُعْرَجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا
تَعْدُونَ﴾^۳

۱. اشراق خاوری، عبدالحمید، ریحیق مختوم، ج اول، صفحه ۷۸.

۲. آثار قلم اعلی، ج ۳، صفحه ۴۹. زیرا که خدای تعالی بعد از آن که مقام نبوت را درمورد حبیبش و برگزیده
و بهترین بندگان پایان بخشید همان طور که درملکوت عزت (قرآن) نازل شده است «و لکن محمد رسول
خداست و پایان دهنده‌ی انبیاء» بندگان را به لقایش وعده داده است و این از جهت عظمت ظهور بعد است
به همان ترتیب که به حق آشکار شد.

۳. السجده/۵.

ترجمه: [همه] امور را [همواره] از آسمان تا زمین تدبیر و تنظیم می‌کند، سپس در روزی که اندازه‌ی آن به شمارش شما هزار سال است به سوی او بالا می‌رود.^۱ صاحب مجمع البیان درباره‌ی این آیه می‌فرماید:

خداوند جهان دنیا را با اراده خویش تدبیر فرموده و سپس جهان به سوی او بازمی‌گردد و دنیا پایان می‌یابد که آن روز قیامت است و همه محکوم اراده پروردگار جهان خواهند بود و در یک روز که مدتش هزار سال است پرونده‌ی اعمال بندگان بررسی می‌شود. پس مدت مذکور مدت روز قیامت می‌باشد.^۲

علامه طباطبایی می‌فرماید که این آیه در صدد بیان مواقف قیامت و زمان یک موقف آن هزار سال است.^۳

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه فوق می‌فرماید:

خداوند تمام عالم هستی را، زیر پوشش تدبیر خود قرار داده است. تدبیر امور در روز قیامت که مقدار آن هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمارید به سوی او باز می‌گردد.^۴

تفسیر نور الثقلین نیز آیه را مربوط به قیامت می‌داند.^۵

مجمع البحرین ذیل واژه عرج درباره این آیه توضیح داده و آن را پیرامون قیامت ذکر کرده است.^۶

علی بن ابراهیم ذیل همین آیه می‌نویسد:

منظور، تدبیر اموری است که خداوند به آن می‌پردازد، و امر و نهی که در شرع وارد شده و اعمال همه بندگان، در روز قیامت آشکار می‌شود و مقدار آن روز به اندازه هزار سال از سال‌های این دنیا است.^۷

۱. انصاریان، حسین، ترجمه قران کریم.
۲. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص: ۲۰۸.
۳. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۲۲.
۴. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۱۴.
۵. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص: ۲۲۲.
۶. مجمع البحرین، ج ۲، ص: ۳۱۶.
۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق و مصحح: موسوی جزائری، سید طیب، ج ۲، ص ۱۶۸.

با توجه به تعبیرات دیگری در قرآن که می‌فرماید تمام امور سرآن‌جام به خدا باز می‌گردند،^۱ روشن می‌شود که آیه مورد بحث نیز از آغاز و ختم جهان و بر پا شدن روز قیامت سخن می‌گوید و کلمه " امر " در معنای دین و شریعت به کار نرفته است. هم‌چنین در این آیه، سخنی از تبدیل شریعت و نسخ آن نیست و در قرآن هرگاه نسخ و یا تبدیل شریعتی را اراده کرده است، با همین کلمات منظور را رسانده نه با کلمه عروج!

بنابراین، مفهوم آیه چنین می‌شود که: «خداوند امر این جهان از آسمان به زمین را تدبیر می‌کند (از آسمان آغاز و به زمین منتهی می‌گردد) سپس همه اینها در روز قیامت به سوی او باز می‌گردند.»^۲

تفسیر آیه ۳۰ سوره سبأ

سومین آیه مورد بحث مربوط به سوره سبأ می‌باشد.

﴿ قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴾^۳

ترجمه: بگو: وعده‌گاه شما روزی است که نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنید و نه بر آن پیشی می‌گیرید.^۴

بر مبنای آراء مفسران، این آیه پاسخی است به سوال مشرکان از پیامبر ﷺ که درباره زمان قیامت سوال نمودند و خداوند فرمود: به آن‌ها بگو میعاد حتمی و معین دارند که ممکن نیست تخلف بپذیرد؛ بلکه قطعاً واقع خواهد شد، ولی وقت وقوع آن پوشیده است و کسی جز خود او از آن خبر ندارد.^۵

مخفی ماندن تاریخ قیامت حتی بر پیامبر ﷺ به دلیل آن است که خداوند می‌خواهد مردم یک نوع آزادی عمل توأم با حالت آمادگی دائمی داشته باشند؛ زیرا اگر زمان آن تعیین می‌شد و زمانش دور بود، همه در غفلت، غرور و بی‌خبری فرو

۱. هود، ۱۲۳: «وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»؛ و اسرار نهان آسمان‌ها و زمین از آن خداست [در حیطة ملک و قدرت و علم اوست] و همه فرمان‌ها و تمام کارها [در جهان هستی به نحو رجوع معلول به علت] به او بازگردانده می‌شود، پس او را بپرست و بر او توکل کن، و هرگز پروردگارت از آنچه می‌کنید غافل نیست.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۱۶.

۳. سبأ: ۳۰.

۴. انصاریان، حسین، ترجمه قران کریم.

۵. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص: ۳۹۶؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص: ۳۷۷؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰، ص: ۵۰۷.

می‌رفتند و اگر زمانش نزدیک بود ممکن بود آزادی عمل را از دست بدهند و اعمالشان جنبه اضطراری پیدا کند و در هر دو صورت، هدف‌های تربیتی انسان، عقیم می‌ماند.^۱

مجمع البیان ضمن این که آیه را در مورد قیامت دانسته است، اشاره آیه به زمان مرگ و اجل انسان‌ها را هم مطرح کرده است:

«قُلْ» یا محمد «لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ» ای میقات یوم ینزل بکم ما وعدتم به و هو یوم القیامه و قبل یوم وفاتهم و قبض ارواحهم.^۲

همانگونه که ملاحظه می‌شود هرگز این آیه در مقام بیان اجل و مدت عمر دین خاتم نیست، بلکه صراحتاً درباره وعده قیامت است که زمان آن را فقط خداوند می‌داند.

تفسیر آیه ۴۷ سوره حج

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾^۳

ترجمه: و آنان از تو [از روی مسخره و ریشخند] شتاب در عذاب را درخواست می‌کنند، در حالی که خدا هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند؛ و همانا یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمارید.^۴

وقتی پیامبر ﷺ بر مبنای کلام الهی، به مشرکین زمان خود وعده‌ی عذاب می‌دادند ایشان را تکذیب می‌کردند و در تحقق وعده خداوند مبنی بر عذاب عجله می‌کردند، می‌گفتند: پس چرا آن عذاب را نمی‌آوری؟ خداوند با این جمله پاسخ آن‌ها را فرموده که "لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ" - هرگز خداوند خلف وعده نمی‌کند".^۵

شیخ طوسی می‌فرماید:

این آیه درباره مهلت هزار ساله به بندگانی است که خود و یا نسلشان می‌توانند اصلاح شوند و یا در مورد مقدار عذاب در روز قیامت است و شدت و عظمت آن را نشان می‌دهد که معادل عذاب هزار سال در

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص: ۹۵.

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص: ۶۱۲. ترجمه: بگو ای محمد برای شما میقات و وعده‌گاه روزیست که به آن وعده داده شدید و آن روز قیامت است و روز وفات و قبض ارواح هم گفته شده است.

۳. الحج/۴۷.

۴. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم.

روزهای دنیا است و یا نعمت‌های بهشتی است که سرور آن به اندازه هزار سال دنیایی باقی و لذت بخش است.^۱

بیان آیه، این است که خداوند برای عذاب مشرکان، عجله ندارد و مهلتشان می‌دهد تا درکات شقاوت خود را تکمیل کنند و در یک روز از روزهایی که نزد اوست و برابر با هزار سال از ایام ماست، مرگشان را می‌رساند و آن وقت که اجلشان رسید، دیگر نه می‌توانند عقب بیندازند و نه نزدیک‌تر کنند. علی بن ابراهیم نیز در تفسیر خود، آیه را به عذاب مشرکان در قیامت مرتبط دانسته است.^۲

بنابر آرای مفسران این آیه هم در مورد قیامت و عذاب مشرکان در آن است و نمی‌توان از آن در معنای نسخ دین اسلام استفاده نمود.

تفسیر آیه ۳۴ سوره اعراف

آیه دیگر مورد استناد مدعیان هزاره‌نگاری ادیان، در سوره اعراف است. ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾^۳ ترجمه: برای هر امتی زمانی [معین و اجلی محدود] است، هنگامی که اجلشان سرآید، نه ساعتی پس می‌مانند و نه ساعتی پیش می‌افتند.^۴ تفسیر عیاشی از حمران نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام در مورد معنای آیه "أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ" سؤال نمودم، حضرت فرمود: اجل مسمی، اجلی است که در شب قدر برای ملک الموت تعیین شده و آن همان اجلی است که درباره‌اش فرمود: "فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ" اجل در این آیه همان اجلی است که در شب قدر به ملک الموت ابلاغ شده است.^۵ این آیه در ترجمه مجمع البیان چنین توضیح داده شده است:

برای هر گروهی زمانی است که در آن وقت مرگشان فرا می‌رسد و چون عمر افراد یک دوره، به هم نزدیک است از کلمه امت استفاده شده است و شامل همه امتها می‌شود و منظور فقط مشرکان مکه نیست.^۶

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۳۲۷.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص: ۵۰۹.

۳. الاعراف/۳۴.

۴. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم.

۵. تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۳۵۴.

۶. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۹۳.

در تفسیر برهان ذیل این آیه روایتی از کافی نقل شده که نشان می‌دهد این آیه درباره مرگ و پایان سال و ماه و روز و ساعت و تعداد نفس‌های مقرر انسان است:

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: آیه **إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفُورُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ** - **إِلَى قَوْلِهِ - تَعْمَلُونَ** یعنی تعداد سالها شمرده می‌شود و سپس ماهها و روزها و ساعات و تعداد نفس‌ها شمرده می‌شود و هنگامی که اجل ایشان فرا برسد ساعتی تأخیر و یا تقدیم نمی‌افتد.^۱

تفسیر نمونه ذیل این آیه تصریح نموده که منظور از اجل در این آیه همان مرگ قطعی است.^۲

همانگونه که ملاحظه می‌شود مفسران در معنای اجل اتفاق نظر دارند که منظور سرآمد عمر انسان‌هاست و نه سرآمد عمر ادیان!

تفسیر آیه ۴۹ سوره یونس

آخرین آیه مورد بحث در این موضوع، آیه چهل و نهم از سوره یونس است.

﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾^۳

ترجمه: برای هر امتی سرآمدی معین و اجلی محدود است، هنگامی که اجلشان سرآید، نه ساعتی پس می‌مانند و نه ساعتی پیش می‌افتند.

بحار الانوار از تفسیر عیاشی در مورد "اجل" آورده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ **ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ** قَالَ **الْمُسَمًّى** مَا سُمِّيَ لِمَلِكِ الْمَوْتِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ وَهُوَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ وَهُوَ الَّذِي سُمِّيَ لِمَلِكِ الْمَوْتِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَالْآخِرُ لَهُ فِيهِ الْمَشِيئَةُ إِنْ شَاءَ قَدَّمَهُ وَإِنْ شَاءَ أَخَّرَهُ.^۴

از امام صادق ع درباره قول خداوند "ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ" سوال شد فرمودند: مسمی اجلی است که در شب قدر برای ملک الموت نام برده شده و تقدم و تأخری ندارد و دیگری اجلی است که با مشیت الهی ممکن است جلو بیفتد یا به تأخیر بینجامد.

۱. الکافی ج ۳: ۲۶۲ / ۴۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۷۷.

۲. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۵۰.

۳. یونس/۴۹.

۴. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۳.

روایت بعدی هم مؤید همان نکته فوق است با این تفاوت که اجل غیر مسمی را موقوف نامیده است:

عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ قَالَ فَقَالَ هُمَا أَجَلَانِ أَجَلٌ مَوْقُوفٌ يَصْنَعُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ أَجَلٌ مَخْتُومٌ وَ فِي رِوَايَةٍ حُمْرَانَ عَنْهُ أَمَّا الْأَجَلُ الَّذِي غَيْرُ مُسَمًّى عِنْدَهُ فَهُوَ أَجَلٌ مَوْقُوفٌ يَقْدَمُ فِيهِ مَا يَشَاءُ وَ يُؤَخَّرُ فِيهِ مَا يَشَاءُ وَ أَمَّا الْأَجَلُ الْمُسَمًّى هُوَ الَّذِي يَسْمَى فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ.^۱

ترجمه: حمران گفت: از امام صادق ع درباره ی قول خداوند ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ پرسیدم، پس فرمودند آن دو اجل هستند، اجل موقوف که خداوند آن را می‌خواهد آن‌جام می‌دهد و اجل محتوم. و در روایت حمران از ایشان آمده است اجلی که نزد او نامیده نشده است (اجل غیر مسمی)، اجل موقوف است و آن‌چه را می‌خواهد جلو می‌اندازد و تأخیر می‌اندازد و اما اجل نامیده شده (اجل مسمی) اجلی است که در شب قدر مشخص می‌شود.

مطالبی که در مورد اجل ذیل این آیه طرح شده، مشابه مطالب آیه قبل است و ارتباطی به پایان پذیری ادیان ندارد.

بررسی حدیث "إِنْ صَلَّحَتْ أُمَّتِي فَلَهَا يَوْمٌ وَ إِنْ فَسَدَتْ فَلَهَا نِصْفَ يَوْمٍ"

در این جا حدیثی را بررسی می‌کنیم که برای اثبات ادعای هزاره‌انگاری مورد استفاده قرار گرفته است. منابع این حدیث را چنین نقل کرده است:

قال سيدنا رسول الله (صلى الله عليه و آله) إصاحت أمتي فلها يومٌ و إن فسدت فلها نصف يومٍ.^۲

به نظر می‌رسد که استفاده از کلمه «إصاحت» به جای «إِنْ صَلَّحَتْ» اشتباه در نسخه باشد زیرا در ذیل همین روایت گفته، صالح بودن این است که از دستورهای پیامبر اطاعت کنند و فاسد شدن‌شان در این است که از دستورات پیروی نکرده و از آن‌ها اعراض کنند.

شبهه این روایت با الفاظ دیگر نیز آمده است که به دو نمونه اشاره می‌شود:

○ ابن حجر عسقلانی می‌نویسد:

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴، ص ۱۱۷.

۲. فیض، القدير شرح الجامع الصغير، ج ۳، ص ۷۳۱.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: **إِنْ أَحْسَنْتَ أُمَّتِي فَبَقَاءَهَا يَوْمَ مِنَ الْأَيَّامِ الْآخِرَةِ وَ ذَلِكَ أَلْفَ سَنَةٍ وَ إِنْ أَسَاءْتَ فَنِصْفٌ**^۱

○ عجلونی نیز می‌نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **إِنْ أَحْسَنْتَ أُمَّتِي فَلَهَا يَوْمٌ وَ إِنْ أَسَاءْتَ فَنِصْفٌ يَوْمٌ**^۲

بررسی سند حدیث:

طبق آن چه در فرایند نقل شده حدیث از کتاب الیواقیت و الجواهر سید عبدالوهاب شعرانی عالم عامه است که از شیخ تقی الدین بن ابی المنصور عالم عامه نقل کرده و او نیز به صورت مرسل یعنی بدون ذکر سند از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود **" إِنْ صَلَّحْتَ أُمَّتِي فَلَهَا يَوْمٌ ... "** و سند دیگر از بحار الانوار است که حدیث مسنداً چنین است:

... عَنْ كَعْبِ الْأَخْبَارِ قَالَ فِي الْخُلَفَاءِ هُمْ اثْنِي عَشَرَ فَإِذَا كَانَ عِنْدَ انْقِضَائِهِمْ وَ آتَى طَبَقَهُ صَلَاحَهُ مَدَّ اللَّهُ لَهُمْ فِي الْعُمُرِ كَذَلِكَ وَعَدَّ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ ثُمَّ قَرَأَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَالَ وَ كَذَلِكَ فَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَيْنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَيْسَ بَعَزِيزٍ أَنْ يَجْمَعَ هَذِهِ الْأُمَّةَ يَوْمًا أَوْ نِصْفَ يَوْمٍ وَ إِنْ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ.^۳

کعب الاخبار این کلام را به پیامبر ﷺ و یا امام اسناد نداده است تا حجت باشد و علاوه بر آن منظور کلام او در یوم یا نصف یوم بر حسب ظاهر، درباره عمر طبقه‌ی صالحه آن هم در زمان انقضاء خلفای اثنی عشر، یعنی بعد از ظهور خلیفه دوازدهم است، نه این که درباره مدت بقاء امت و دین اسلام باشد. و نکته بسیار مهم این که الفاظی که در این روایت آمده مشابه حدیثی نیست که گلیایگانی به پیامبر ﷺ نسبت داده است. پس سند حدیثی که مورد تمسک گلیایگانی است، منحصر به نقل شیخ تقی الدین آن هم به صورت مرسل است. بنابراین حدیث مزبور از نظر سند ضعیف است و به هیچ وجه قابل استناد نیست.

۱. فتح الباری، شرح صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۳۰۲. اگر امت من نیکو کار باشند به اندازه یک روز آخرت در این دنیا می‌مانند و آن هزار سال است که اگر بد باشند پس نصف روز می‌مانند.

۲. کشف الغطاء و مزیل الالباس، ج ۲، ص ۳۱۴. اگر امت نیکو کار باشند یک روز (در این دنیا) می‌مانند و اگر بد باشند نصف روز می‌مانند.

۳. مجلسی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۱، ص ۶۶.

حدیثی که عسقلانی ذکر کرده نیز از جعفر بن عبد الواحد به صورت مرسل نقل شده است. حدیث عجلونی نیز علاوه بر این که از نظر سندی دارای اشکال است، معنای آن نیز روشن بیان نشده است. معلوم نیست که در این حدیث نیز هر روز هزار سال در نظر گرفته شده باشد.

اشکالات وارده به شبیهه

آیات مورد بحث، هیچ کدام بر آمدن پیامبری پس از پیامبر ﷺ دلالت ندارند. آیه ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ...﴾ نیز از سرآمد امت‌ها سخن می‌گوید و بحثی از تغییر شرایع ندارد؛ زیرا لفظ امت به معنی گروهی از مردم یا دیگر جانداران است؛ چنان که در سوره انعام می‌فرماید: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّةٌ أَمْثَلُكُمْ﴾ پس نمی‌توان امت را فقط به معنی ملت‌های الهی و پیروان ادیان بدانیم. نکته دیگر این که فاصله میان ادیان گذشته در هیچ مورد هزار سال نبوده است! مثلاً فاصله‌ی میان حضرت "موسی" و "مسیح" علیهما السلام بیش از ۱۵۰۰ سال و فاصله‌ی میان حضرت مسیح و پیامبر ﷺ کمتر از ۶۰۰ سال است! فاصله‌ی میان "نوح" با حضرت "ابراهیم" بیش از ۱۶۰۰ سال و فاصله‌ی "ابراهیم" با "موسی" حدود ۵۰۰ سال بوده است. حتی برای نمونه، فاصله هیچیک از ادیان با آئین بعدی هزار سال نبوده است.

گذشته از این موارد ادعای باب با این موضوع ناسازگار است؛ زیرا تولد وی در سال ۱۳۲۵ق، و شروع ادعایش در سال ۱۲۶۰ق، بود و با توجه به اینکه شروع دعوت پیامبر ﷺ سیزده سال پیش از هجرت بوده فاصله‌ی میان این دو ۱۲۷۳ سال می‌شود یعنی "۲۷۳" سال اضافه دارد!

اکنون ببینیم دلیل نسخ یک آیین به زعم بهائیان چیست؟

به اعتقاد بهائیت پس از اسلام دو ظهور مستقل و صاحب احکام و شریعت پیدا شده‌اند: یکی ظهور باب و دیگری ظهور بهاء. چنان که از عبدالبهاء نقل شده:

"با آن که اختلاف مدت این دو ظهور بیست سال بیشتر نبود و در این بیست سال مقتضیات زمان چندان فرقی نکرد احکام و آداب و آیین باب

۱. الانعام/۳۸. ترجمه: هیچ نوع جنبه‌ای در زمین یا هیچ نوع پرنده‌ای که با بال‌هایش به پرواز درآید نیست مگر گروهی مثل شما انسان‌ها.

تفاوت فاحشی با تعالیم و دستورهای بهاء دارد و در موارد بسیاری کاملاً
ضد یکدیگرند.^۱

ابوالفضل گلپایگانی در مقام مقایسه کتاب بیان با کتاب اقدس می‌نویسد:
«و این هر دو در اصول و فروع با یکدیگر چندان مختلف و متفاوت‌اند
که انجیل با تورات و کعبه با سومنات»^۲

در کتاب اقتدارات از سید باب نقل می‌کند:

«اگر اعتراض و اعراض اهل فرقان نمی‌بود هر آینه شریعت فرقان در
این ظهور نسخ نمی‌شد.»^۳

منظور از این جمله، آن است که مسلمانان (اهل فرقان) به او اعتراض کردند و
از او روی برتافتند، در نتیجه او هم اسلام را نسخ کرد.

در کتاب بدیع، در مورد نسخ احکام اسلام، عبارت زیر از باب نقل شده است:

«کل، منوط به اراده‌ی نفس ظهور است، اگر بخواهد اوامر و نواهی قبل
را امضا می‌نماید و اگر بخواهد نسخ می‌فرماید.»^۴

روشن شد که ادعای نسخ اسلام توسط میرزا علی محمد شیرازی روی عناد با
مسلمانان بوده و به طور کلی نسخ دیانت قبل به دلخواه مظهر ظهور بعد است و
مقتضیات زمان در این عرصه راهی ندارند.

نتیجه

در این مقاله، یک شبهه بهائیان بیان شد، مبنی بر این که هر دینی حداکثر می‌تواند
هزار سال عمر کند و پس از آن توسط دین جدیدی نسخ می‌شود. سپس آیاتی
مطرح شد که برای اثبات این شبهه، بهره‌برداری شده است و پاسخ‌های نقضی به
این نظریه با استفاده از سخنان رهبران بهائی بیان شده و در ادامه ادله نقلی این
شبهه مورد مذاقه قرار گرفت. با بررسی تفاسیر در ذیل آیات گفته شده در شبهه،
نشان داده شد که به هیچ وجه نمی‌توان از این آیات چنین نتیجه‌ای را گرفت و این
آیات مورد تأویل نابجا قرار گرفته‌اند.

۱. افندی، عباس، مفاوضات، ص ۱۲۴.

۲. گلپایگانی، ابوالفضل، کشف الغطاء، ص ۱۶۶.

۳. نوری، میرزا حسین علی، اقتدارات، ص ۴۷.

۴. نوری، میرزا حسین علی، کتاب بدیع، ص ۱۶۶.

منابع

- قرآن کریم
۱. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفه للطباعه و النشر، دوم.
 ۲. احسائی، احمد، جوامع الكلم، بی نا، بی تا.
 ۳. اشراق خاوری، عبد الحمید، رحیق مختوم، لجنه ملی نشر آثار امری، ۱۰۲ بدیع.
 ۴. آصف آگاه، سید حسن، مقاله موعود و آخر الزمان در دین زرتشتی، مشرق موعود، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶.
 ۵. افندی، عباس، مفاوضات، بی نا، بی تا.
 ۶. افندی، عباس، مکاتیب عبدالبهاء، بی نا، بی تا.
 ۷. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۸۳ ش.
 ۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ ق.
 ۹. بیضاوی، عبد الله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق، تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی.
 ۱۰. تیموتی آر. فرنیش؛ مترجم: جندقی، بهروز؛ دکترین مهدویت و چالش هزاره گرایی؛ انتظار موعود، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۷.
 ۱۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه: شیخ آقابزرگ تهرانی، تحقیق: قصیرعاملی، احمد، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
 ۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
 ۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
 ۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش.
 ۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۱۶. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مصحح حسینی اشکوری، احمد، مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش، برگرفته از نرم افزار جامع الاحادیث نور ۳۰۵.
۱۷. طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. عجلونی، اسماعیل بن محمد، کشف الغطاء و مزیل الالباس، بی جا، دار الکتب العلمیه، دوم، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۱۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.
۲۱. فیض، محسن، بشارت موهوم، جستاری در باب تحلیل بهائیان از شیخ احسائی و سید رشتی، انتشارات گوی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲۲. قاسمی قمی، جواد، مبانی هزاره‌گرایی در مسیحیت؛ پژوهش‌های مهدوی، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۰.
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق و مصحح: موسوی جزائری، سید طیب، دار الکتب، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق، برگرفته از نرم افزار جامع الاحادیث نور ۳۰۵.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة)، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۵. گروه پژوهش و نگارش سایت بهائی پژوهی، فرجام فرخنده، ج ۱: محمد خاتم پیامبران، انتشارات گوی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش، کتاب یازدهم از سری کتاب‌های سایت بهائی پژوهی.
۲۶. گلپایگانی، ابوالفضل، الفرائد، مبحث ۶۵.
۲۷. گلپایگانی، ابوالفضل، گلپایگانی، مهدی، کشف الغطاء عن حیل الأعداء، تاشکند، ۱۹۱۹ م.
۲۸. مازندرانی، فاضل، اسرار الآثار الخصوصی، برگرفته از نرم افزار کتابخانه بهائی.
۲۹. مائده آسمانی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ بدیع، برگرفته از نرم افزار کتابخانه بهائی.
۳۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مهدی موعود (ترجمه جلد ۵۱ بحار الأنوار)، تهران، چاپ: بیست و هشتم، ۱۳۷۸ ش.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم، ۱۴۲۱

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش
۳۳. المناوی، محمد عبد الروف، فیض القدير شرح الجامع الصغير، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۳۴. نا مشخص، عهد جدید، مکاشفه یوحناى رسول، فصل ۲۰.
۳۵. نوری، حسین علی، ألواح مبارکه حضرت بهاءالله شامل: اشراقات و چند لوح دیگر، برگرفته از نرم افزار کتابخانه بهائی.
۳۶. نوری، میرزا حسین علی، آثار قلم اعلى، ج ۳، برگرفته از نرم افزار کتابخانه بهائی.
۳۷. نوری، میرزا حسین علی، کتاب بدیع در جواب اسئله قاضی، افسست از نسخه خطی، ربیع الاول ۱۲۸۶ ق.
۳۸. نوری، میرزا حسین علی، اقتدارات، برگرفته از نرم افزار کتابخانه بهایی.
۳۹. نوری، میرزا حسین علی، اقدس، برگرفته از نرم افزار کتابخانه بهایی.
۴۰. نوری، میرزا حسین علی، ایقان، موسسه ملی مطبوعات بهائی آلمان، هوفمایم، آلمان، چاپ اول، ۱۹۹۸ م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی